

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی
دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۲
ص ص: ۴۱-۳۳

شناسایی موانع محیطی و فردی زنان کارآفرین در ورزش و ارائه راهکارهای پیشنهادی

۱. زینب مندعلی زاده - ۲. محمد احسانی*

۱. دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ۲. استاد گروه مدیریت ورزشی،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳/۰۷/۱۳۹۳، تاریخ تصویب: ۱۸/۱۲/۱۳۹۳)

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع محیطی و فردی زنان کارآفرین در ورزش و ارائه راهکارهای پیشنهادی است. روش تحقیق، آمیخته از نوع اندرارجی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. جامعه آماری شامل استادان مدیریت ورزشی و زنان کارآفرین در حوزه ورزش بود. پرسشنامه شامل ۲۳ سؤال در طیف پنج‌ارزشی لیکرت بود. پس از تأیید روایی، پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴۶ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی ($\chi^2=2138/987$, $KMO=0/864$) استفاده شد. از مهم‌ترین موانع فردی برای کارآفرینی زنان، فقدان استقلال مالی، فقدان تجربه و میزان اعتماد به نفس کمتر در مقایسه با مردان در سرمایه‌گذاری و مهم‌ترین موانع محیطی، فقدان دسترسی به منابع بود. توسعه کارآفرینی زنان لزوم توجه و افزایش حمایت‌های اجتماعی در ورزش کشور را می‌طلبد، چراکه توسعه کارآفرینی زنان در ورزش، توسعه ورزش زنان و بهبود کیفیت زندگی جامعه و حرکت به سمت و سوی پایداری در ورزش کشور را در پی خواهد داشت. بنابراین با توجه به میزان ارزش ایجادشده توسط کارآفرینی، این تحقیق حمایت از توسعه کارآفرینی در زنان را مورد توجه قرار می‌دهد که پیامد آن ارتقای کیفیت زندگی زنان و سلامتی و توسعه ورزش در بخش زنان خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

زنان، کارآفرینی، موانع فردی، موانع محیطی، ورزش.

مقدمه

می‌شود، به معنای کسب‌وکارهای تولیدی برای زنان است و معنای دیگر آن زنان کارآفرین است که در ایجاد یا راه‌اندازی کسب‌وکار نقش دارند (۲۱، ۱۸).

در این زمینه مطالعات گسترده‌ای در زمینه مقایسه کارآفرینی زنان و مردان انجام گرفته است. نتایج این مطالعات نشان داد که کارآفرینان زن انگیزش‌های درونی و پایدار برای راه‌اندازی کسب‌وکار دارند، ولی مردان کارآفرین انگیزش‌های بیرونی و پایدار برای راه‌اندازی کسب‌وکارها دارند (۹). در واقع اهمیت مطالعات در حیطه کارآفرینی زنان به حدی است که در نتایج دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱، به کارآفرینی زنان اشاره کرده است، به گونه‌ای که تأثیر مشارکت زنان در کارآفرینی را ضرورت دائمی برای اقتصاد دانسته است (۲). از جمله راهبردهای رایج در اروپا در این زمینه، فراهم کردن حمایت ویژه از زنان بوده است (۱۱). در واقع دلیل این امر آن است که ورزش از جمله مواردی است که به‌عنوان محملی برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی به‌کار رفته و موجب تغییر در وضعیت اشتغال زنان در ورزش می‌شود.

مشکلات پیش‌روی زنان کارآفرین در ورزش

کارآفرینی فعالیتی است که به‌طور سنتی به مردان نسبت داده شده است (۱۰)، چراکه با وجود افزایش مالکیت زنان و کارآفرینان زن، مردان اکثر (حدود دوسوم) کسب‌وکارهای گسترده را به‌عهده دارند، به گونه‌ای که در کشورهای جهان، زنان کارآفرین در مقایسه با مردان، به گونه نابرابری در بخش خدماتی و خرده‌فروشی مشارکت دارند، درحالی‌که حضور کمرنگ‌تری در بخش‌های عمده مانند تجارت و بخش مالی دارند، ضمن آنکه کسب‌وکارهای زنان کارآفرین نسبت به مردان، کوچک‌تر با تعداد کارکنان

امروزه کارآفرینی زنان یکی از ابعاد کارآفرینی شناخته‌شده است که در آن زنان در نوآوری کسب‌وکار درگیر می‌شوند (۱۸). اهمیت کارآفرینی زنان در ورزش در این مهم است که علاوه بر اشتغال‌زایی در بخش ورزش، به مشارکت بیشتر آنها در ورزش و در نتیجه رسیدن به اهداف توسعه ورزش منجر می‌شود. این امر در پی راه‌اندازی باشگاه‌های ورزشی توسط خود زنان اتفاق می‌افتد که به رشد هرچه بیشتر ورزش آنان کمک می‌کند. در این زمینه تحقیقات گوناگونی (۲۱، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۵) در حیطه کارآفرینی زنان انجام گرفته است که به‌طور خلاصه از جمله مشکلات زنان کارآفرین در کشور را عوامل شبکه‌ای، فردی، سازمانی و محیطی، قانونی، شخصیتی و خانوادگی نتیجه‌گیری کردند.

کارآفرینی زنان در ورزش

شروع تحقیقات در زمینه کارآفرینی زنان از دهه ۱۹۹۰ شروع شده است که به بررسی ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین، چشم‌انداز آنان برای ادامه کسب‌وکارها و در نهایت بررسی موانع و عناصری که کارآفرینی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پرداخته است (۱۳). برای مثال در تحقیق بندیکس و میگورنی، چهار عنصر خاص که به‌طور کلیدی کارآفرینی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، عوامل فردی، محیطی، سازمانی و فرایندی بیان شده است (۹).

کارآفرینی زنان در بسیاری از راهبردهای مدیریت ورزشی قابل مشاهده است، که بر ورزش زنان به‌عنوان راهبردهایی که بخش‌هایی از بازارهای جدید را تسخیر می‌کند، تمرکز دارد. شرکت‌های پوشاک ورزشی مانند نایک و آندرا‌مور مثال‌هایی از کارآفرینی زنان هستند که در حیطه پوشاک ورزشی زنان فعالیت‌های بازاریابی انجام می‌دهند (۱۸). در واقع هر جا صحبت از کارآفرینی زنان

۱. دیده‌بان جهانی کارآفرینی یک کنسرسیوم دانشگاهی، مرکب از تیم‌های علمی و پژوهشی است که سالانه روند فعالیت‌های کارآفرینانه در جهان را رصد می‌کند (۳).

زنان کارآفرین تحصیل کرده، مهم‌ترین مشکلات در راه-اندازی کسب‌وکارهای ورزشی را وجود قوانین دست‌وپاگیر، بوروکراسی اداری، اخذ مجوزها و تأمین منابع مالی و مواردی مانند تضاد نقش‌ها، مدیریت کسب‌وکار و وجود تبعیض نتیجه‌گیری کردند (۱). از جمله تحقیقات انجام‌گرفته در بخش ورزش، پژوهش شتاب بوشهری (۱۳۸۷) بود که از جمله موانع مشارکت زنان در سطح مدیریتی سازمان‌های ورزشی را عوامل محیطی و فردی عنوان کرد و به این نتیجه رسید که عوامل محیطی مانند پوشش رسانه‌ای رویدادهای ورزشی، مسائل فرهنگی، فرهنگ سازمانی مردسالار نقش‌بازدارنده در ارتقای زنان به پست‌های مدیریتی دارد، درحالی‌که عوامل فردی نقش‌بازدارنده‌ای در ارتقای زنان به پست‌های مدیریتی ندارد (۴). از آنجا که زنان کارآفرین، بنیادی‌ترین تغییرات را در جوامع ایجاد کرده‌اند (۱۸) و با در نظر گرفتن این نکته که ورزش موجب ایجاد رویکردی می‌شود که زنان بدون محرومیت ناشی از وضعیت اجتماعی‌شان در شغل انتخابی خود برتری پیدا کنند و همچنین با وجود تحقیقات گسترده در مورد کارآفرینی ورزشی، هنوز تحقیقی درباره شناخت موانع یا مشکلات زنان کارآفرین در ورزش انجام نگرفته است، از این‌رو محققان در پی شناسایی این موانع در ورزش هستند تا بدین وسیله، حل مشکلات اجتماعی و گسترش کیفیت زندگی سالم در جامعه را به‌واسطه کارآفرینی زنان تشویق و حمایت کنند، چراکه مسیر توسعه ورزش و جامعه، توسط نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان تبیین می‌شود؛ علاوه‌بر این فعالیت زنان کارآفرین به‌عنوان سرمایه‌گذار در بخش خدمات و چه در بخش تولید، نشان‌دهنده مشارکت زنان در توسعه ورزشی در کشور خواهد بود.

کم، رشد فروش کمتر و دسترسی به سرمایه مشکل‌تر است (۱۷).

در این زمینه تحقیقات متعددی در خارج از کشور علل و موانع کارآفرینی زنان را بیان کرده‌اند. کوتانیز و بایراکتاگل (۲۰۰۲) از جمله مشکلات زنان کارآفرین در ترکیه را ارتباطات اجتماعی اندک زنان با شبکه‌ها و اصناف، سطح ریسک پایین زنان در کسب‌وکارها و تمایل محافظه‌کارانه آنان در مواجهه با نوسانات بازار نتیجه‌گیری کردند. همچنین راهکارها و تئوری فمینیسم را مناسب فرهنگ ترکیه ندانستند (۱۵). رومی و پاروت (۲۰۰۸)، مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی زنان کارآفرین را فقدان دسترسی به سرمایه، آموزش، نگرش‌های اجتماعی و پتانسیل اقتصادی خانواده گزارش کردند (۱۹). گوردن و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی به این موضوع پرداختند و موانع را به‌طور کلی شامل موارد زیر عنوان کردند: آداب و سنت‌های محلی که سبب محرومیت کسب‌وکار و منع آن می‌شود؛ وضعیت بد موجود برای سرمایه‌گذاری در جامعه؛ فقدان زیرساخت‌ها و تسهیلات کافی، تغییرات معمول در سیاست‌های دولتی و قوانینی که کاملاً تصادفی و غیر برنامه‌ریزی شده است؛ قیمت بالای محصولات و پاسخ ضعیف به مشوق‌های مالی (۱۲). بندیکسن و میگلورنی (۲۰۰۶)، تنوعی از عملکرد کسب‌وکارها را در نظر گرفتند و نشان دادند که دستاوردهای زنان کارآفرین در مقابل مردان کمتر بوده است و یکی از دلایل، این فرضیه بود که مفهوم موفقیت از دید زنان و مردان متفاوت است (۹).

از جمله تحقیقات داخلی انجام‌گرفته در این زمینه، تحقیق نوابخش و زارع هرفته (۱۳۸۹) است که به بررسی ارتباط بین عوامل محیطی و عوامل فردی با شاخص‌های توسعه کارآفرینی پرداختند و این رابطه را مثبت و معنادار ارزیابی کردند (۸). همچنین آراستی و اکبری جوکار (۱۳۸۷) در تحقیقی در مورد ویژگی‌های کسب‌وکارهای

روش تحقیق

در این مقاله از رویکرد آمیخته^۱ استفاده شد. ابتدا روش کیفی و سپس رویکرد کمی به کار گرفته شد. در این راستا، ابتدا به منظور شناسایی موانع کارآفرینی زنان در ورزش، داده‌ها و یافته‌های مورد نظر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، نظرهای متخصصان و زنان کارآفرین در عرصه خدمات ورزشی از طریق مصاحبه به صورت کیفی گردآوری شد. مدت زمان مصاحبه‌ها ۴۰-۳۵ دقیقه بود و زمانی که پاسخ‌های تکراری به دست آمد، فرایند جمع‌آوری داده‌ها پایان یافت. روایی سؤالات مصاحبه توسط هشت نفر از متخصصان تأیید شد. جامعه آماری شامل استادان مدیریت ورزشی دانشگاه‌های شهر تهران و زنان کارآفرین حوزه ورزش بود، که در بین متخصصان رشته کارآفرینی، از استنادانی که زمینه تحقیق و فعالیت در بخش ورزش داشتند، مصاحبه به عمل آمد؛ بدین منظور از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۸ نفر انتخاب شدند.

بعد از شناسایی فهرست ابتدایی از مجموعه عوامل از رویکرد کمی استفاده شد. بدین منظور، پرسشنامه‌های محقق ساخته به منظور اولویت‌بندی این عوامل طراحی شد که شامل ۲۳ سؤال در قالب طیف پنج امتیازی لیکرت بود و بین نمونه آماری که شامل زنان کارآفرین در ورزش (بخش خدمات؛ باشگاهی) بود، توزیع شد. روایی پرسشنامه در بخش کمی توسط ده نفر از استادان مدیریت ورزشی تأیید شد و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴۶ به دست آمد. یافته‌های تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل عاملی بررسی شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

افراد مشارکت‌کننده شامل کارآفرینان و متخصصان تربیت بدنی بود که در این میان ۷۲/۲ درصد دارای

تحصیلات تربیت بدنی و ۲۷/۸ درصد تحصیلات غیر تربیت بدنی داشتند. ۶۶/۷ درصد دارای مدرک دکتری، ۱۱/۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۱/۱ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۵/۶ درصد دارای مدرک دیپلم بودند. در میان زنان کارآفرین، حدود ۷۵ درصد اعلام کردند که در راه‌اندازی کسب‌وکار خود مهارت دارند که نیمی از این مهارت‌ها مربوط به مهارت‌های ورزشی و ۲۵ درصد آنان، دارای مهارت‌های بازاریابی بود و ۲۵ درصد آنان سایر مهارت‌ها مانند فن بیان و ... را به عنوان مهارت‌های خود بیان کردند و ۲۵ درصد کارآفرینان، بیان کردند که در راه‌اندازی کسب‌وکار خود مهارتی ندارند. پس از مصاحبه با ۱۸ مشارکت‌کننده به روش نمونه‌گیری هدفمند، مجموعه‌ای از عوامل شناسایی شد.

جدول ۱، نمونه‌ای از گزاره‌های به دست آمده از فرایند مصاحبه را نشان می‌دهد. سپس هریک از این گزاره‌ها که به لحاظ مفهومی بیانگر ابعاد محیطی و بیرونی بود، در یک مقوله و کدهایی که بیانگر حالات درونی و مربوط به خود فرد بود، در مقوله موانع فردی قرار گرفت.

در مرحله دوم تحقیق به منظور اولویت‌بندی این عوامل از رویکرد کمی استفاده شد. بدین منظور از آزمون تحلیل عاملی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. به منظور اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای آزمون تحلیل عاملی، بررسی حداقل داده‌های Missing (کمتر از ۰/۰۲) مدنظر قرار گرفت و از آزمون کایزر-مهیر-الکین^۲ به منظور اطمینان از کفایت داده‌ها و برای اطمینان از معناداری تحلیل عاملی داده‌ها از آزمون کرویت بارتلت^۳ استفاده شد. با توجه به معناداری آزمون بارتلت (۰/۰۰۱) و $P \leq$ و بالا بودن مقدار آزمون (۰/۸۶۴) KMO و همچنین با در نظر گرفتن ضریب اشتراک سؤالات و

2. Kaiser_Meyer_Olkin
3. Bartlett

1. Mixed Method

واریانس تبیین‌شده، تحلیل عامل با تأکید بر تمامی سوالات انجام گرفت.

جدول ۱. نمونه‌ای از گزاره‌های حاصل از مصاحبه

فقدان ارتباط با مراکز صنفی	زنان با مراکز صنفی ارتباطات کاری و تعاملات کمتری دارند.
مشارکت اندک زنان در ورزش	زنان در جامعه ورزش و مراکز ورزشی مشارکت اندکی دارند.
فقدان تجربه در راهاندازی و اداره کسب‌وکار	زنان برای راهاندازی و اداره کسب‌وکارهای ورزشی، تجربه کافی ندارند.
فقدان حمایت بانکی از کارآفرینان	حمایت‌های بانکی از کارآفرینان ناکافی است.
فقدان قوانین حمایتی از باشگاه‌های ورزشی	قوانین سختگیرانه‌ای از طرف سازمان و ادارات ورزشی برای راهاندازی کسب‌وکارها و باشگاه‌های ورزشی وجود دارد.
هنجارها و فرهنگ حاکم در جامعه نسبت به زنان	نگرش‌های اجتماعی به مشارکت زنان در راهاندازی کسب‌وکارهای ورزشی مناسب نیست.
فقدان توجه به ورزش زنان از طرف نهادها و رسانه‌ها	سوگیری جنسیتی و اهمیت کمتر به ورزش زنان از سوی رسانه‌ها.
فقدان حمایت صنفی از ورزش و کسب‌وکارهای ورزشی زنان	صنف‌های حمایتی از ورزش زنان و باشگاه‌های راهاندازی‌شده توسط زنان حمایت نمی‌کند.
فقدان دانش و مهارت زنان کارآفرین در کسب‌وکارهای ورزشی	دانش و مهارت زنان در سودآوری برای باشگاه و شرکت خودشان اندک است.
فقدان استقلال مالی زنان	زنان به همسران یا خانواده‌شان از نظر مدیریتی و مالی وابسته‌اند.
فقدان حمایت مالی از بخش ورزش قهرمانی	حمایت مالی در ورزش‌های قهرمانی برای زنان اندک است یا اصلاً چنین حمایت‌هایی وجود ندارد.
اعتماد به نفس اندک در زنان کارآفرین	اعتماد به نفس زنان کارآفرین نسبت به مردان کمتر است و از مخاطرات آینده واهمه دارند.
حمایت اندک خانواده از زنان در راهاندازی کسب‌وکارهای ورزشی	حمایت خانواده‌ها و همسران آنان از راهاندازی و اداره کسب‌وکارهای ورزشی اندک است.
مسئولیت‌های چندگانه زنان در جامعه	مسئولیت‌های چندگانه زنان کارآفرین در جامعه می‌تواند یکی از موانع در این زمینه باشد.

جدول ۲. مهم‌ترین موانع محیطی کارآفرینی زنان در ورزش

رتبه	میانگین رتبه	موانع محیطی کارآفرینی زنان در ورزش
۱	۰/۸۶	فقدان دسترسی به منابع مالی
۲	۰/۸۵	ناکافی بودن زیرساخت‌های مناسب فیزیکی برای فعالیت کارآفرینانه
۳	۰/۸۴	ناکافی بودن برنامه‌های دولتی برای حمایت از کسب‌وکارهای خانوادگی (حمایت دولتی، قانونی و ...)
۴	۰/۸۴	فقدان صنف و اتحادیه زنان کارآفرین به منظور حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی زنان
۵	۰/۸۴	نگرش اجتماعی نسبت به ورزش زنان و فعالیت زنان در کسب‌وکارهای ورزشی
۶	۰/۸۳	ارتباطات اندک زنان کارآفرین با انجمن‌ها و صنف‌های مرتبط
۷	۰/۸۱	فقدان نظام مالیاتی حمایت‌کننده برای زنان در کسب‌وکار (حمایت مالی)
۸	۰/۸۰	مشارکت اندک زنان در فعالیت‌های ورزشی
۹	۰/۷۹	فرهنگ مردسالارانه در جامعه
۱۰	۰/۷۹	موانع قانونی (منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر یا خانواده و ...)
۱۱	۰/۷۹	هنجارها و باورهای کلیشه‌ای در مورد فعالیت زنان در ورزش و کسب‌وکارهای مرتبط با ورزش
۱۲	۰/۷۸	نگرش‌های اجتماعی و هنجاری رایج مربوط به زنان و ورزش زنان در جامعه
۱۳	۰/۷۸	میزان سرمایه‌گذاری و حمایت مالی اندک در بخش ورزش زنان
۱۴	۰/۷۸	فقدان ایفای نقش رسانه‌ای در بخش کارآفرینی ورزشی زنان در جامعه

ادامه جدول ۲. مهم‌ترین موانع محیطی کارآفرینی زنان در ورزش

رتبه	میانگین رتبه	موانع فردی کارآفرینی زنان در ورزش
۱	۰/۷۸	فقدان استقلال مالی
۲	۰/۷۸	فقدان تجربه در برنامه‌های کسب‌وکار
۳	۰/۷۷	درگیر بودن و اشتغال در خانواده
۴	۰/۷۷	استقلال مدیریتی اندک
۵	۰/۷۶	اعتماد به نفس کمتر جهت راه‌اندازی کسب‌وکار
۶	۰/۷۶	حمایت اندک خانواده‌ها از کارآفرینی زنان
۷	۰/۷۵	ریسک‌پذیری اندک زنان در کسب‌وکارهای ورزشی
۸	۰/۷۴	نگرش زنان نسبت به فقدان احتمالی امنیت اجتماعی (هزینه‌ها، خطرهای اجتماعی و...)
۹	۰/۷۳	فقدان دانش و مهارت‌های کارآفرینانه

رشد کسب‌وکار دارند. به نوعی زنان کارآفرین بیش از اندازه محافظه‌کارند و ریسک‌پذیری اندکی را در کسب‌وکار نشان می‌دهند، چراکه فرایند کارآفرینی شامل سطوح بالایی از مدیریت ریسک تعریف شده است (۱۴). این امر به رکورد کسب‌وکار ورزشی آنان منجر می‌شود و آنان را از رقابت باز می‌دارد.

فرهنگ مردسالارانه، هنجارهای رایج در جامعه و نگرش اجتماعی نسبت به ورزش زنان، ارتباطات اندک زنان کارآفرین با انجمن‌ها و صنف‌های مرتبط و میزان مشارکت اجتماعی اندک زنان در ورزش از جمله علل فرهنگی-اجتماعی مرتبط با میزان اندک کارآفرینی زنان در ورزش است که با نتایج تحقیق واسانت (۲۰۰۹) و کوتانیز و بایراکتاگل (۲۰۰۲) همخوانی دارد (۱۹،۱۵). شاید هنجارهای اجتماعی، تضاد نقش، نگرش‌های جنسیتی و دید جامعه و فقدان نگرش رسانه‌ای در تشویق و ترویج کارآفرینی زنان یکی از مهم‌ترین عوامل و علل در میزان مشارکت اندک زنان در فعالیت‌های اقتصادی ورزشی باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که در صورت حمایت نهادها چه نهادهای دولتی و چه نهاد خانواده از زنان کارآفرین، رشد و توسعه کسب‌وکارهای ورزشی زنان را در پی خواهد داشت. در این زمینه لیندسی و همکاران (۲۰۰۶)، به بررسی تئوری آمیخته مشارکت زنان با مردان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در جوامع مردسالار

مهم‌ترین موانع براساس بارهای عاملی در جدول ۲ نشان داده شده است. از مهم‌ترین موانع محیطی برای زنان کارآفرین در راه‌اندازی کسب‌وکارهای بخش ورزش، فقدان دسترسی به منابع مالی، فقدان تجربه در برنامه‌های کسب‌وکار، نتیجه‌گیری شد و از مهم‌ترین موانع فردی برای زنان کارآفرین در راه‌اندازی کسب‌وکارهای بخش ورزش، فقدان استقلال مالی عنوان شد.

بحث و نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در کارآفرینی ورزشی، درگیر بودن و اشتغال در خانواده، تعدد نقش زنان در قالب مادر، همسر و خانه‌داری، حمایت اندک خانواده‌ها از کارآفرینی زنان است که با نتایج تحقیقات واسانت^۱ (۲۰۰۹) و گلرد (۱۳۸۲) همخوانی دارد (۲۱،۵). به نظر می‌رسد عوامل خانوادگی که دربرگیرنده عوامل مذکور است، یکی از موانع مهم کارآفرینی زنان در بخش ورزش باشد. در همین زمینه میزان اعتماد به نفس زنان، میزان ریسک-پذیری و مهارت اندک آنها از موانع شخصیتی برای زنان کارآفرین عنوان شد که با نتایج تحقیقات رومی و پاروت (۲۰۰۸) و کوتانیز و بایراکتاگل (۲۰۰۲) همخوانی دارد (۱۹،۱۵). به نظر می‌رسد که زنان کارآفرین، گرایش به مشارکت در نتایج نامطمئن را ندارند و تلاش کمتری برای

کارآفرین در بخش ورزش، از دیگر موانع مهم برای کارآفرینی زنان در بخش ورزش محسوب می‌شود که این نتایج با نتایج تحقیقات واسانت (۲۰۰۹)، رومی و پارت (۲۰۰۸) همخوانی دارد (۲۲، ۱۹). به نظر می‌رسد اصلاح شرایط کسب‌وکار و موارد قانونی در راستای درگیری و مشارکت زنان و افزایش حمایت‌های اجتماعی می‌تواند از راهکارها و پیش‌برنده‌های کارآفرینی زنان در بخش ورزش باشد. به‌طور ویژه نقش فرهنگ کارآفرینانه در جامعه عامل مهمی در توانایی و کارآفرینی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که این اجراهای موفق برای کسب‌وکارهای ورزشی به دستاوردهای فرهنگی برمی‌گردد که می‌تواند بر چالش‌های کارآفرینی زنان غلبه کند (۲۰). علاوه بر این نبود صنف حمایتی از زنان کارآفرین در تمامی کسب‌وکارها می‌تواند توسعه و رشد کسب‌وکار را با مشکلات زیادی مواجه کند، چراکه وجود صنف حمایتی از زنان کارآفرین می‌تواند به ایجاد ارتباط با دیگر اصناف و نهادهای قانونی و دولتی مفید واقع شود و به حل مشکلات زنان کارآفرین کمک کند.

به‌طور کلی می‌توان گفت موانع کارآفرینی زنان در ابعاد گوناگونی از جمله ابعاد فردی و محیطی مانند فقدان دسترسی به منابع، ناکافی بودن زیرساخت‌های کسب‌وکار، میزان مشارکت اندک در ورزش، فقدان استقلال مالی و اشتغال در خانواده قابل بررسی است که این موارد، لزوم توجه و افزایش حمایت‌های اجتماعی در ورزش کشور را می‌طلبد، چراکه توسعه کارآفرینی زنان در ورزش، توسعه ورزش زنان و در نهایت بهبود کیفیت زندگی جامعه و حرکت به سمت و سوی پایداری در ورزش کشور را در پی خواهد داشت. از جمله راهکارهای پیشنهادی که می‌تواند برای توسعه کارآفرینی زنان در ورزش ذکر کرد عبارتند از:

۱. ایجاد برنامه‌هایی توسط بانک‌ها به‌منظور حمایت

مالی از زنان کارآفرین؛

زمانی که زن کارآفرین با یک مرد در انجام فعالیت اقتصادی مشارکت می‌کند، به منابع و شبکه اجتماعی گسترده‌تری دست می‌یابد (۱۶). بنابراین در صورتی که هنجارهای حاکم بر جامعه به حمایت از زنان کارآفرین دست بزنند، می‌تواند تحولی را در جوامع ایجاد کند.

میزان حمایت مالی اندک در بخش ورزش، میزان دسترسی به سرمایه مالی، زیرساخت‌ها و میزان حمایت دولت از کسب‌وکارهای خانوادگی از موانع کارآفرینی زنان نتیجه‌گیری شد که با نتایج تحقیق گلرد (۱۳۸۲) و رومی و پارت (۲۰۰۸) همخوانی دارد (۱۹، ۵). به نظر می‌رسد که مساعد بودن شرایط اقتصادی و قانونی با حمایت دولت در راه‌اندازی کسب‌وکارهای ورزشی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های ورزشی مؤثر باشد، چراکه مهم‌ترین چالش‌های کارآفرینی عصر حاضر فقدان استفاده از منابع و تسهیلات و مشکلات اقتصادی است (۲۰). به نظر می‌رسد نسبت مشارکت زنان در ورزش بر کارآفرینی زنان تأثیر می‌گذارد، چراکه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی نیاز آنان به مشارکت در باشگاه‌های ورزشی و به تبع آن استفاده و خریداری آنان از پوشاک و تجهیزات ورزشی را افزایش می‌دهد. تحقیقات گسترده داخلی نیز علل عدم مشارکت زنان در ورزش را مطالعه کرده‌اند (۷، ۴، ۶). شاید بتوان گفت یکی از علل مهم مطرح‌شده در کارآفرینی زنان در بخش ورزش که آن را از کارآفرینی زنان در دیگر بخش‌های اقتصادی متمایز می‌کند، میزان آگاهی زنان و درصد مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی باشد که در صورت مشارکت گسترده زنان در ورزش، می‌توانیم شاهد گسترش روزافزون کسب‌وکارهای ورزشی چه در بخش خدمات و چه در بخش صنعت در ورزش کشور باشیم.

عوامل قانونی مانند منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر، آگاهی اندک از ابعاد حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی، فقدان اتحادیه یا صنف برای زنان

۲. سازمان‌دادن برنامه‌های آموزشی در دانشکده-های تربیت بدنی برای دانشجویان در تشویق آنان به کارآفرینی؛
۳. ارائه دوره‌های آموزشی به‌منظور کمک به توسعه فرهنگ و نگرش جامعه نسبت به فعالیت کارآفرینانه زنان از طریق دولت در نظام تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش، آموزش عالی)؛
۴. حمایت رسانه‌های گروهی از زنان کارآفرین و تشویق آنان به فعالیت و مشارکت در ورزش؛
۵. تشویق حامیان مالی به سرمایه‌گذاری در ورزش بانوان کشور از طریق دولت با ایجاد مشوق‌هایی برای حامیان مالی از سوی سازمان ورزش؛
۶. ارتقای امنیت اجتماعی در میان صاحبان کسب‌وکارهای ورزشی (پوشش بیمه، شکست کسب‌وکار و بیکاری) با در نظر گرفتن مزایای مالی و ثبات مالیاتی
۷. ایجاد صنف یا اتحادیه زنان کارآفرین در راستای حمایت از کسب‌وکار آنان و ایجاد ارتباط بین آنان با دیگر اصناف و نهادهای قانونی و دولتی با حمایت سازمان‌های دولتی و نیز غیرانتفاعی؛
۸. ایجاد بستر و زمینه‌هایی برای حضور و مشارکت بانوان در ورزش از طریق رایزنی با مراجع دینی و نهادهای مذهبی در راستای کاهش محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی.

منابع و مآخذ

۱. آراستی، زهرا و اکبری جوکار، محمدرضا. (۱۳۸۷). "تحقیقی پیرامون ویژگی‌های کسب‌وکارهای زنان کارآفرین تحصیل‌کرده دانشگاهی و مشکلات آنان در راه‌اندازی کسب‌وکار". دانشور رفتار، دوره ۱۵، شماره ۳۲، صص ۳۷-۴۶.
۲. احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۳). "تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب". تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۴۷.
۳. جهانی، حدیث. (۱۳۸۷). "اقتصاد جهان بر شانه‌ی کارآفرینان". روزنامه دنیای اقتصاد، اقتصاد سیاسی، ص ۳۰.
۴. شتاب‌بوشهری، ناهید. (۱۳۸۷). "ارتقای زنان به سطوح مدیریتی در سازمان تربیت بدنی کشور؛ موانع محیطی و فردی و ارائه الگوی مناسب". رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، چکیده، ص ۱.
۵. گلرد، پروانه. (۱۳۸۲). "بررسی عوامل مؤثر در توسعه فعالیت‌های زنان کارآفرین". اولین همایش بررسی آثار و مؤلفه‌های مدیریت و اقتصاد بر اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد جنوب، تهران، ص ۳۶.
۶. نادریان جهرمی، مسعود و هاشمی، هاجر. (۱۳۸۸). "عوامل بازدارنده‌ی مشارکت ورزشی زنان کارمند شهر اصفهان". پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۳، صص ۱۵۰-۱۳۷.
۷. نادریان جهرمی، مسعود؛ ذولاکتاف، وحید و مشکل‌گشا، الهام. (۱۳۸۸). "موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه". علوم حرکتی و ورزش، شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۵۶.

۸. نوابخش، مهرداد و زارع مهرفته، مرضیه. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر فرهنگ کارآفرینی (مطالعه موردی: زنان کارآفرین تهران و حومه)". مدیریت فرهنگی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱-۲۳.
9. Bendixen, E., Miglorni, E. (2006). "Entrepreneurship and women: the making of a business plan for the creation of a distribution business in Denmark". Master Thesis, Aarhus School of Business, Denmark, p: 34.
10. Bird, B., Brush, C. (2002). "A gendered perspective on organizational creation". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(3), pp: 41-65.
11. Davies, H., Gamillier, A. F., Beernaert, Y., Coninx, L. (2008). "Entrepreneurship in higher education especially within nonbusiness studies". Final Report of the Expert Group, Available from: http://ec.europa.eu/enterprise/newsroom/cf/itemdetail.cfm?item_id=3366, pp: 1-17.
12. Gordon, E., Natarajan, K., Amishi, A. (2009). "Entrepreneurship development". Mumbai: Global Media, pp: 23-46.
13. Gosselin, L., Grise, J. (1990). "Are women owner managers' challenges our definitions of entrepreneurship: an in-depth study". *Journal of Business Ethics*, 9, pp: 423-433.
14. Hindel, K., Rushworth, S. (2002). "Entrepreneurship: A policy primer". Australian Graduate School of Entrepreneurship, Report of Entrepreneurship, p: 45.
15. Kutanis, R. O., Bayraktaroglu, K. (2002). "Female entrepreneurs: Social feminist insights for overcoming the barriers". *Development of Business Administration*, 23, p: 34.
16. Lindsey, N., Stevens, C. E., Brenner, N. (2006). "Forced to play by the rules? Theorizing how mixed sex founding teams benefit women entrepreneur in male dominated contexts". *Journal of Entrepreneurship*, 30(5), pp: 623-642.
17. Morris, M., Miyasaki, N., Watters, C., Coombes, S. (2006). "The dilemma of growth: Understanding venture size choices of women entrepreneurs". *Journal of Small Business Management*, 44, pp: 221-44.
18. Ratten, V. (2011). "Sport-based entrepreneurship: towards a new theory of entrepreneurship and sport management". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(1), pp: 57-69.
19. Romi, M. A., Parrott, G. (2008). "Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan". *Journal of Entrepreneurship*, 17(1), pp: 59-72.
20. Santomier, J. (2002). "Sport business entrepreneurship". *New England Journal of Entrepreneurship*, 5, pp: 5-6.
21. Tesone, D. V., Platt, A., Alexakis, G. (2004). "The human capital factor: strategies for dealing with performance challenges in business and sport management". *The Journal of Applied Management and Entrepreneurship*, 9(3), pp: 22-33.
22. Vasant, D. (2009). "Entrepreneurial development". Mumbai: Global Media, p: 34.